



جایگاه سیاسی - تعلیمی جانوران آبی در کلیله و دمنه

حسین عباس نژاد^۱

دانش آموخته دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

پروانه عادل زاده (نویسنده مسئول)^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

کامران پاشایی فخری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲

چکیده

بیشتر داستانهای کلیله و دمنه، تمثیلی و به زبان حیوانات است. به احتمال قوی دلیل عمده استفاده از شخصیت‌های حیوانی، محتوای سیاسی، تعلیمی آن است. جانوران، در متون تمثیلی با ایفای نقش تمثیلی و نمادین، غیر از اینکه موجب تنوع و جذابیت حکایتها و داستانها می‌شوند، شاعران و اهل قلم از رویکرد نقش تمثیلی آنها، بیشتر برای تحقق اهداف سیاسی، تعلیمی، اخلاقی و به خصوص اخلاق اجتماعی سود می‌جویند. داستانهای کلیله و دمنه، غالباً منعکس‌کننده هرم قدرت و پیش‌کشیدن تعالیم اخلاقی در جامعه (هند، ایران و جهان اسلام) است؛ بنابراین به بهترین وجهی سازوکار فرهنگ سیاسی، قدرت، پند و اندرز، رفتار سیاسی و تأثیر آن را بر طبقات دیگر نشان می‌دهد. با تجزیه و تحلیل متن می‌توان

^۱. hosseinabbasenazhad@ yahoo. Com.

^۲. adelzadehparvaneh@yahoo.com.

ساختار جایگاه سیاسی، تعلیمی و تأثیر آن را بر رفتارهای فردی و اجتماعی کشف و بررسی کرد. در این جستار که به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به تبیین و تحلیل این موضوع در کلیله و دمنه پرداخته شده است، سعی شده است که مضمون چند داستان از حیث بُعد سیاسی، تعلیمی با در نظر گرفتن جنبه‌های مدیریتی، نظیر تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی سازمان‌دهی و رفتار سازمانی در یک جامعه یا نهاد اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته، و شخصیت‌های نمادین حکایت‌ها با ایفای نقشی که در داستان‌ها بر عهده دارند، معرفی شوند.

واژه‌های کلیدی: کلیله و دمنه، جانوران آبی، جایگاه سیاسی، تعلیمی، شخصیت تمثیلی.

۱- مقدمه

یکی از موضوعهای جالب توجه در کلیله و دمنه که شایسته پژوهش است، بررسی جایگاه سیاسی، تعلیمی جانوران آبی و تأثیر آن بر روابط اجتماعی و چگونگی نگاه به انسان در پیش از دوره بیداری است. به نظر می‌رسد، هیچ کتابی در هند و جوامع اسلامی، شایستگی لازم را برای چنین تحقیقی به اندازه کلیله و دمنه نداشته باشد. این اثر به باور غالب منتقدان، اولین و بهترین اثر مصنوع و فنی در زبان و ادبیات فارسی است. بهار درباره جایگاه و ارزش کتاب کلیله و دمنه می‌گوید: در آوردن تمثیلهای زیبا و آداب و حکم در عالم خود بی نظیر است و کمتر کتابی در عجم همانند آن تا به حال نوشته شده است؛ مگر آنکه از او تقلید کرده باشند، مانند نویسنده مرزبان‌نامه که خواسته از کلیله و دمنه تقلید کند. (رک: بهار، ج ۲: ۲۷۰)

کاربرد فراوان نام جانوران، در شعر و نثر فارسی حاکی از توجه خاص ادبیات فارسی به نام جانوران است. واژه جانور: «عموماً بر هرگونه ذی‌روح (جان‌دار) اطلاق می‌شده که این معنی ناظر به کاربرد واژه جان در معنی روح است.» (محمدی فر و همکاران، ۱۳۸۹: ۳).

نقش‌آفرینی حیوانات در آثار ادبی، پیشینه و بستری طولانی و متنوع دارد. حضور جانوران در داستان، شیوه و شگردی است که تازگی و توانایی دیگری به اثر می‌بخشد؛ از حضور شخصیت‌های انسانی می‌کاهد و اثر را دارای جذابیت و تنوع می‌کند. حکایت‌های موجود فارسی که از زبان جانوران نقل شده‌اند، اغلب ساده، کوتاه، اخلاقی، تعلیمی یا متضمن تعلیم اخلاقی به‌ویژه اخلاق اجتماعی هستند و از این‌رو در زمره فابلها می‌گنجد.

کلیله و دمنه بر پایه داستانهای تمثیلی است، حالتی نمایشی و غیرمستقیم دارد؛ و بخشهایی از آن به پند و اندرز نزدیک است. راز ماندگاری کلیله و دمنه آن است، که نکات سرشت مشترک همه انسانها از زبان حیوانات بیان می‌شود؛ و در آن همسویی عاطفی از نوع عاطفه انسانی است که این اثر را در ردیف شاهکارهای ادبی قرار داده است.

به طور کلی در آثار تمثیلی فارسی، به ندرت از تمثیل و حکایت جانوران تنها برای مطرح ساختن مسائل انتقادی اعم از نکته‌های اجتماعی، سیاسی یا طنزهای نیش‌دار نسبت به حکومتها استفاده شده است. همیشه بهانه آوردن حکایت، پیش‌کشیدن تعلیم اخلاقی بوده، گاه در لفافه داستان به تذکر دادن برخی نکته‌های سیاسی اکتفا شده است.

یکی از دلایل اقبال عمومی به این حکایتها و کاربرد جهانی و همگانی یافتن آنها، همین ویژگی کوتاه بودن است. کوتاه بودن حکایت باعث می‌شود که شنونده به آسانی بین آغاز و انجام حکایت ارتباط معنایی را دریابد و زودتر به پیام، مفهوم و مضمون آن پی ببرد؛ و این ویژگی هدف تعلیم را به سهولت برآورده می‌کند. کلیله و دمنه، از معدود آثار فارسی است که تمام داستانها و حکایات آن از زبان جانوران نقل شده است؛ در این میان آبزیان جایگاه خاص و نسبتاً گسترده‌ای دارند.

در حکایتهایی که بر فایده مکر تأکید دارند، یکی از عوامل اصلی که سبب فریفته شدن و به دام افتادن قهرمان یا شخصیت ضد قهرمان می‌شود، به طمع افتادن، حرص ورزیدن و زیاد خواهی است. این حکایتها که به طور کلی تمثیل احوال و اعمال ما آدمیان هستند، مضمون یک حکم خبری است که قدرتمندان، اغلب قدرت را ملاک و معیار حقانیت به حساب می‌آورند. اما مضمون تعلیمی بعضی از این داستاها، بر این نکته تأکید دارد که به قول و سخن دشمن و دوستی او نباید اعتماد کرد.

از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی خلق شده است، و قادر به ادامه زندگی به صورت انفرادی نیست، به همین دلیل لزوم تشکیل حکومت و اداره جامعه و مدیریت آن بر اساس قانون تدوین شده، از بدیهیات اولیه هر جامعه متمدنی است؛ لذا شاید بتوان گفت که هیچ امری در حیات انسانی و پیشبرد اهداف آن نمی‌تواند جانشین مدیریت و رهبری باشد. متن کلیله و دمنه در قرن ششم ترجمه شده است؛ و متأثر از اوضاع سیاسی، اجتماعی و دینی زمان خود و قبل از آن است. منشی تحت تأثیر نظریه پردازان، سیاست‌نامه نویسان و سیاستمداران، در اثر خود بسیاری از افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم تئوریهایی سیاسی را اقتباس کرده، در قالب حکایتهای جانوران آورده است: «در کلیله و دمنه نیز تأکید شده است،

کسی که هدف سازمان را نشناخته، به وظایف خویش جهت رسیدن به آن هدف آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند به مقام رهبری برسد؛ و اصولاً اگر کسی واجد این شروط نباشد، افراد زیر زیر مجموعه آگاهانه سرنوشت خود را به دست او نمی‌سپارند و به دنبال رهبری شایسته می‌گردند.» (پاشایی فخری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۷) هدف مطالعه در این پژوهش، در پاسخ به این سؤال انجام شده که مهم‌ترین مؤلفه‌های جایگاه سیاسی، تعلیمی در برخی از حکایت‌های جانوران آبی در کلیله و دمنه کدامند.

۱-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه جایگاه سیاسی، تعلیمی جانوران آبی در کلیله و دمنه، مقاله و تحقیقی به صورت مستقیم انجام نشده است. اما چند مقاله و اثر مورد بررسی واقع شده که ارتباط تنگاتنگی با این موضوع دارد. مقاله اندیشه سیاسی در کتاب کلیله و دمنه، اثر عنایت‌الله شریف‌پور، محتشم محمدی در نشریه نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، زمستان ۱۳۸۷، دوره - شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱)، از ص ۵۳-۶۹. در این مقاله، اندیشه‌های سیاسی کتاب کلیله و دمنه، فارغ از هندی، عربی یا ایرانی بودن آن در زمینه‌های نفی ستم، نفی حسادت، تدبیرهای مختلف در برابر دشمنان، درباره ستایش عدالت و اهمیت ریزنی با خردمندان و پرهیز از ناصالحان بحث شده است.

مقاله دیگر، بررسی مفاهیم تعلیمی «رهبری تحول‌گرا در کلیله و دمنه» که نویسنده مقاله کامران پاشایی فخری، نمودی از رهبری تحول‌گرا را در قالب شیر، تحت عنوان رهبر حیوانات جنگل که ارتباط تنگاتنگی با سیاست دارد، مورد ارزیابی قرار داده است. این مقاله در فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، شماره پیاپی: بیست و یکم - پاییز ۱۳۹۳ از صفحه ۵۲-۳۹ چاپ شده است.

اینک با تأکید بر ارزشمندی مطالعات جایگاه سیاسی و تعلیمی جانوران آبی در کلیله و دمنه، در این پژوهش قصد داریم اهداف سیاسی و تعلیمی جانوران آبی را در حکایتها بررسی و شناسایی کنیم؛ تا بتوانیم به اهداف مورد نظر در زمینه سیاست و مدیریت در این حکایتها دست یابیم.

۱-۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی، رویکرد آن توصیفی - تفسیری، روش داده‌یابی اسنادی و شیوه داده‌کاوی آن تحلیل محتوای قیاسی است. واحد تحلیل در این تحقیق، به طور کلی حکایت‌های تمثیلی است. عناصر

داستانی موجود در حکایتهای جانوران آبی، بر اساس ویژگیهای سیاسی، تعلیمی معرفتی و تحلیل شده‌اند. تأکید بیشتر مقاله بر عناصر شخصیت، درون‌مایه صحنه‌پردازی حکایت، بر مبنای جایگاه سیاسی و تعلیمی است.

۱-۳- مبانی تحقیق (تعاریف)

باتوجه به اینکه در بحث مربوط به جانوران در کلیله و دمنه تحقیقاتی انجام گرفته است، مطالعه این تحقیقات زمینه‌ای گسترده برای پژوهشهای نوین ادبی فراهم کرده است. تاکنون مبحث جایگاه سیاسی، تعلیمی جانوران آبی به صورت مستقیم مورد بحث و بررسی، تفسیر و تحلیل محتوایی قرار نگرفته است؛ یکی از بهترین عرصه‌ها برای تجلّی ابعاد سیاسی، تعلیمی، متون تمثیلی فارسی است. بنابراین کلیله و دمنه می‌تواند یکی از متونی باشد، که از این زاویه مورد بررسی واقع شود. یکی از مهم‌ترین اهداف این پژوهش تبیین ابعاد سیاسی و تعلیمی در متون تمثیلی کلاسیک در حوزه ادبیات فارسی است. یکی از دلایل اصلی بیان داستانها از زبان حیوانات، شاید این باشد که برخی از ویژگیهای انسانی به حیوانات نزدیک است؛ و سبب می‌شود تا نویسنده شخصیت‌های انسانی داستان را به حیوانات بدل کند و آنها را در داستانهایش بیاورد. مانند آدم‌های زرنگ به پلنگ، مرموز به روباه و مار، درنده خو به گرگ و ... تشبیه شوند.

در هر جامعه، سیاست، فرهنگ سیاسی و قدرت، یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری فکر، اندیشه و رفتار افراد آن جامعه به شمار می‌رود. در داستانهایی که به ترسیم فضای سیاسی، تعلیمی پرداخته شده است، مردم در آن حکایتها حضور زیادی ندارند و بیشتر امور مربوط به طبقات بالای جامعه بیان شده است. بدین ترتیب: «سیاست شامل رشته گسترده‌ای از وضعیت‌هاست، که با آنکه هدفهای مردم در آنها تفاوت دارند، برای دسترسی به هدفهای مشترکی که با هم همکاری می‌کنند، و نیز در مواردی که تنازع دارند به رقابت با یکدیگر بر می‌خیزند. هم همکاری و هم رقابت، مستلزم چانه زدن، استدلال، اجبار و اعمال زور است. هنر سیاست را عمدتاً باید در توانایی اتحاد و نه دشمنی در میان گروه‌های مختلف دانست.» (تانسی^۲، ۱۳۹۰: ۴۲)

^۲. Tansy

دوورژه^۴ معتقد است: «طبقات مسلط براي حفظ تسلط خود بر طبقات زیر سلطه از دولت استفاده مي‌کنند؛ و طبیعتاً طبقات زیر سلطه در برابر این گونه ستمکاري مقاومت مي‌ورزند. بدین‌سان پیکار سياسي انعکاسي از مبارزه طبقات است، پس این پیکار اساساً دسته جمعي است.» (دوورژه، ۱۳۸۹: ۲۸) در واقع تعدادي از حکایتهای تمثيلي کلیلهدومنه، دلالت بر پیکار دسته جمعي مي‌کند. مدیران باید به خاطر داشته باشند که جایگاه و رفتار سياسي، يك ابزار انساني به نفع بشر است؛ و این رفتار سياسي تا حد زيادي در ارتباط با مردم در هر نوع سازمانی متفاوت است. «به‌طورکلی حکایتهای حیوانات در ساده‌ترین شکل خود، مصداق همان پندهای اخلاقي و اجتماعي و امر و نهیهاي هستند که در آثار ديني و اخلاقي از آنها سخن رفته است. اغلب این حکایتهای بر اصول انساني تأکید مي‌کنند.» (تقوي، ۱۳۷۶: ۷۷) پیام این حکایتهای همواره جهاني است؛ و در آنها از روابط و آيين کشورداري گفتگو مي‌شود، و گاه استراتژیهای مختلف براي رسيدن به هدف و غلبه بر دشمن در قالب يك حکایت افسانه‌اي مطرح مي‌شود.

۲- حکایتهای سياسي، تعليمی جانوران آبی در کلیلهدومنه

۱-۲- بط و باخه

در مثنوي مولانا: «گاه از این پرنده با نام بط و گاه با نام مرغابی یاد شده است. مولانا حالت درختان به شکوفه نشسته را در فصل بهار به طاووس و بط تشبیه کرده، يکي از تصاویر فوق‌العاده زیبای خود را رقم زده است.» (صرفي، ۱۳۸۶: ۶۵) چنان‌که گفته:

«همچو بطن سرفرو برده به آب گشته طاووسان، و بوده چون غراب»

(مولانا، دفتر اول، ۱۳۷۲: ۱۰۰)

«لاک‌پشت، جانوري از رده خزندگان که براي حفاظت اعضا داراي لاک مي‌باشند و فاقد دندانند.»

(معین، ۱۳۸۲: ۲۵۱۳)

^۴ . Duvergeh

۲-۱-۱-۲- حکایت دو بط و باخه (بلاهت لاکپشت و سادگی بط)

آورده‌اند که: «در آب‌گیری دو بط و یکی باخه ساکن بودند و میان ایشان به حکم مجاورت دوستی و مصادقت افتاده. ناگاه دست روزگار غدار رخسارِ حال ایشان بخراشید و سپهر آینه فام صورت مفارقت بدیشان نمود، و در آن آب که مایهٔ حیات ایشان بود نقصان فاحش پیدا آمد. بطن چون آن بدیدند به نزدیک باخه رفتند و گفتند به وداع آمده‌ایم، پدروود باش ای دوست گرامی و رفیق. باخه از درد فُرقت و سوز هجرت بنالید و از اشک بسی دُرّ و گهر بارید...» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

۲-۱-۱-۲- شخصیتها

شخصیت‌های ناصح و دلسوز در این داستان، دو بط هستند. لاکپشت قهرمان نادان این حکایت است، و مردم که ضدقهرمان در این داستان محسوب می‌شوند، باعث تلف شدن و هلاک باخه می‌گردند: «یکی از قهرمانان اصلی کلیله و دمنه که گاه مظهر بلاهت و گاه مایهٔ دردسر است و گاه به دشمن جان تبدیل می‌شود لاکپشت است که از آن به صورت باخه نام برده شده است.» (روح بخشان، ۱۳۸۵: ۵۴) لاکپشت به دلیل عمر طولانی و درازش از سوی انسانها، به عنوان نشانهٔ خرد مورد پذیرش قرار گرفته است. درعین حال نماد صداقت هم است: «لاکپشت با ماه و آبها در ارتباط است. للاکپشت یا سنگ پشت، همچنین سمبل باروری و زندگی طولانی است. افسانه‌های مختلف جهان دربارهٔ لاکپشتی صحبت می‌کنند، که نگه‌دارندهٔ جهان است. در آیین هندو یک، انسان - لاکپشت، نیای بشر است. در اسطوره‌های ایسوپ^۵، لاکپشت نماد اراده راسخ است.» (میراندابروس^۶، ۱۱۳۸۸: ۶۲)

۲-۱-۱-۲- برداشت تعلیمی

برداشت و نتیجه‌ای که از این داستان می‌توان کسب کرد، این است که هر که سخن خیرخواهان را گوش نکند سرانجام وخیمی خواهد داشت. در این حکایت تمام حوادثی که اتفاق افتاد، به هلاکت لاکپشت ختم می‌شود. دو دوست مشفق و مهربان، (دو بط) به او سفارش کرده بودند که دم از سخن گفتن فروبندد؛ و البته خود باخه به این نکته و خطر سرپیچی از آن گفتار آگاه است، اما باز طاقت صبر

^۵ . Aesop

^۶ . Mirandabros

و تحمّل را از دست می دهد و لب به سخن می گشاید. این داستان را می توان برای اثبات سلطه قضا و قدر هم بیان کرد. زیرا که لاک پشت در جواب آن دو بط که پیش تر او را نصیحت کرده بودند می گوید: «چون طبع اجل صفرا تیز کرد و دیوانه وار روی به کسی آورد از زنجیر گسستن فایده حاصل نیاید و هیچ عاقل دل در دفع آن نبندد. إِنَّ الْمَنَایَا لَا تَطِیْشُ سِهَاْمُهَا». (به درستی که مرگها را تیرها از هدف منحرف نگرند و هرگز خطا نرود). (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۱۲) در حکایت باخه و بطان، بطان «حکم پیر خردمند را برای باخه دارنده که برای نجات باخه از آبگیر خشک شده، او را به آرامش و صبر و شکیبایی دعوت می کنند.» (حدادیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷)

۲-۱-۱-۳- بُعد سیاسی

از دیدگاه بُعد سیاسی، در این حکایت می توان به جنبه های مدیریّت، تصمیم گیری، برنامه ریزی و سازمان دهی پی برد. باتوجه به اصول مدیریّت «مدیریّت در همه نوع همکاری سازمان یافته، و در همه رده های در یک کار بزرگ، ضرورت دارد.» (کونتز^۷ و همکاران، ۱۳۷۰: ۵) راهنمایی های دو بط برای باخه، و آوردن چوب و گرفتن دو سر آن توسط مرغابیها، و بودن باخه در وسط و سفارش مبنی بر عدم صحبت کردن در هنگام پرواز، از دلایل روشن بر وجود مدیریّت و جنبه های گوناگون آن در این داستان است از دیدگاه مدیریّت رفتار گروهی، می توان به نقش کارمدار افراد در گروه اشاره کرد. «نقشهای کارمدار تسهیل کننده، هماهنگ کننده فعالیت های تصمیم گیری در داخل گروه اند. این نقشها به طور مستقیم به تعیین و چگونگی رسیدن به اهداف گروه مربوط می شوند. اگر این نقشها به خوبی انجام نشوند گروه در رسیدن به اهداف با مشکل مواجه می شود.» (نصر اصفهانی، ۱۳۸۴: ۳۴)

خطایی که در این حکایت از لاک پشت سر زد، منجر به شکست و هلاکت او شد. اما برای انسان «خطای فرصت باارزش یادگیری در اختیار وی قرار می دهد، و باید به عنوان خونی حیاتی در رگهای موفقیت به آن نگاه کرد. اکثر موفقیتها مدیون شکست هستند.» (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۱) یک مدیر موفق، باید بداند که بر زمان پیروز نمی توان شد؛ مگر با تفکر، و به رفتار نظام مند نمی توان رسید مگر با بحث و گفتگو. بنابراین برای حفظ سلامت خویش، باید نگرش و بینش منطقی را جایگزین فکریهای

^۷ . Kontz

غیرمنطقی بنماییم؛ و این توانایی را داشته باشیم که خطاها و شکستها را به فرصت و موفقیت تازه تبدیل کنیم.

۲-۱-۲- حکایت بط و ستارگان

«بط نام عربی پرنده‌ای است که در فارسی به نامهای ماغ، خشنسار، مرغابی و اردک معروف است. لغت نامه دهخدا آن را مرغ سپید پیشانی، ... از مرغان آب، سیاه و دراز دم معرفی کرده، به عنوان شاهد از فردوسی نقل کرده است:

«چو خسرو گشاده در باغ دید همه چشمه باغ پر ماغ دید.»

(عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۷۷)

دیدن مرغابی در خواب، علامت ظفر و منفعت است و معبران رؤیای مرغابی را رؤیایی خوب و پسندیده می‌دانند.

«گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید، پنداشت که ماهی است، قصدی می‌کرد تا بگیرد هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی گمان بردی که همان روشنایی است قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۲۷۶)

۲-۱-۲-۱- شخصیت‌های داستان

بط: قهرمان (خطاکار).

ماهی: شخصیت فرعی

۲-۲-۱-۲- پیام داستان

بنابراین آنچه از این حکایت، از زبان شنزبه (گاو) خطاب به دمنه مستفاد می‌شود این است که: «اگر آدمی طبق عادت و تجربه مکرر چیزی را دریافت، در قضاوت خود آن را ملاک حقیقت می‌شمارد و عادت، چشم عقل را می‌بندد. همچنین تکرار یک تجربه باعث پذیرفتن و اطمینان کردن به علم حاصل از آن تجربه می‌شود.» (نقوی: ۱۳۷۶: ۲۷۶)

۲-۱-۳- نتیجه‌تعلیمی و سیاسی

در این حکایت با توجه به اینکه حادثه‌ای اتفاق نیفتاده است، موضوع فریب نیز به چشم می‌خورد. بط، فریب‌پندار و خیال خود را می‌خورد، که روز بعد طعمه را همان عکس تصور می‌کند و از خوردن آن امتناع می‌ورزد. لذا با توجه به این مضمون و محتوا، می‌توان به نادانی مرغابی در این حکایت پی برد. از دید سیاسی، حکایت در بر دارنده این نکته است که «مانورهای سیاسی به طور عمده در اثر عدم اطمینان شکل می‌گیرند، هر چه هدف مبهم‌تر و پیچیده‌تر باشد مسائل سیاسی آن بیشتر خواهد بود، و نامشخص بودن فراگردهای تصمیم‌گیری منجر به رفتارهای سیاسی بیشتر می‌گردند؛ تا تصمیم‌گیریهایی تکراری در سازمان.» (رضائیان، ۱۳۸۶: ۷۲) همچنین به اعتقاد فایول^۸ «مدیران باید توانایی درک مسائل، تشخیص عوامل، چگونگی ارتباط این عوامل و عناصر، تعیین روش‌های گوناگون هر فعالیت و توانایی سنجش هر روش را در پرتو ملاحظیات مختلف داشته باشند و بتوانند قضاوت و اجتهاد کنند.» (پاشایی فخری، ۱۳۹۳: ۴۵)

طبق اصل خوش بینی از اصول مدیریت، در نامه مولای متقیان، حضرت علی (ع) به مالک اشتر نخعی آمده است: «هر چند که مدیران نسبت به برداشت خود از حقایق و واقعیات امور، باید دقیق باشند ولی خوش بینی در آنان بهتر از وجود بدبینی و کینه توزی است.» (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۱) پس یک حاکم یا مدیر باید از توان و نیروی فکر و اندیشه به اندازه کافی برخوردار باشد؛ و از به کارگیری اندیشه در موارد گوناگون و پی‌گیری مسائل و مشکلات، ناامید و احساس خستگی و کسالت نکنند و در عقاید و نظرات خود، خطاهای فکری را جایگزین منطق و استدلال قرار ندهد.

۲-۲- طیطوی

تعریف علمی: «نوعی مرغابی، مرغابی تیتو، نوعی سنگ‌خوارک، قطا».

شواهد تاریخی:

چوبند شهریار بود صوت طیطوی»

چوسبزه بهار بود بانگ عندلیب

(دبیرسیاقی، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

^۸. Fayol

۲-۲-۱- حکایت طیطوی و جفت او (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۱۰)

طیطوی نوعی از مرغان آبی است، و یک جفت از این پرنده (نر و ماده) در ساحل دریا زندگی می‌کردند. وقتی زمان تخم گذاشتن ماده فرا رسید، به جنس نر خود گفت: باید جای امنی را برای تخم گذاری پیدا کنیم، که از خطر دریا در امان باشد. طیطوی نر گفت: همین جایی که الان در آن هستیم، جای خوب و خوشی است. وکیل دریا جرأت تعرض به ما را ندارد، و تخم این جا باید گذاشت. ماده گفت: ما قدرت مقابله با او (وکیل دریا) را نداریم، پس بهتر است از او دوری کنیم. نر گفت: باکی نیست و تو ترس به دلت راه مده. وکیل دریا از غرور و تکبر طیطوی نر ناراحت شد و وقتی که بچه‌هایشان به دنیا آمدند آنها را به دست امواج دریا سپرد و آب دریا بچه‌های آنها را با خود برد...

۲-۱-۲-۱- شخصیتها

شخصیت‌های این داستان عبارتند از: «۱- طیطوی نر: قهرمان (مغرور و متکبر)، طیطوی ماده: یاور قهرمان (محافظه کار)، سیمرغ: پادشاه مقتدر (یاور قهرمان)، وکیل دریا: ضد قهرمان». (تقوی،

۱۳۷۶: ۳۱۸)

۲-۱-۲-۲- جایگاه تعلیمی و سیاسی

این حکایت از زبان دمنه، خطاب به سَنزَبه بیان شده است تا او را از خطر دشمن مطلع سازد و این نکته پند آموز را یادآوری کند که نباید دشمن را ضعیف و کوچک به حساب آورد. آنچه در این حکایت باعث شده است که قهرمان داستان، دشمن خود را ضعیف و خوار جلوه دهد و عاقبت ناخوشایند آن را ببیند و تجربه کند، یا غرور و کبر بی جای اوست که خود را قوی‌تر از دشمن به حساب می‌آورد؛ یا اینکه شناخت و آگاهی کافی نسبت به دشمن خود ندارد: «مدیرانی که رفتارهای سیاسی در سازمانهای خود را نمی‌شناسند، نه تنها در ارتقاء و استفاده از امتیازها زیان خواهند دید بلکه در انجام کارهایشان نیز مشکل خواهند داشت.» (رضائیان، ۱۳۸۶: ۶۶) کبر و غرور، چشم حقیقت بین طیطوی نر را نابینا کرده، قدرت خود را بیشتر از نیروی دشمن (وکیل دریا) دیده است. در حالی که از نیروی دشمن آگاه است و جدای از این موضوع، جفت او (طیطوی ماده) برتری قدرت و نیروی طرف مقابل او را، به او یادآوری کرده است و با آوردن چند تمثیل او را نسبت به عواقب کارش آگاه می‌کند. با توجه به این موضوع:

«برخی از اندیشمندان بر این اعتقاد پافشاری می‌کنند، که قدرت طلبی انگیزه غریزی دارد و از جمله تمایلات نامحدود بشری است و ذاتاً برای بشر دوست داشتنی است؛ پند و اندرز کلیله و دمنه در کاهش این میل سرکش تأثیری نداشته است.» (دهقانان، ۱۳۹۱: ۹۷) از نگاه مدیریتی که زیر مجموعه جایگاه سیاسی است می‌توان به این نکته اشاره کرد که:

«روش نظریه تصمیم‌گیری در مدیریت، بر این باور استوار است که چون تصمیم‌گیرنده مدیران هستند، پس کسانی که به بررسی مدیریت می‌پردازند باید توجه خود را بر شیوه تصمیم‌گیری تمرکز دهند. یعنی گزینش راهی از راه‌های احتمالی، که برای یک‌گوش وجود دارد. نظریه پردازان تصمیم‌گیری، توجه خود را در اصل بر تصمیم‌گیرها بر اشخاص یا گروه‌های سازمان یافته‌ای که تصمیم می‌گیرند، و بر بازشکافی فراگرد تصمیم‌تمرکز می‌دهند.» (کونتز و همکاران، ۱۳۷۰: ۶۱/۱)

در این حکایت از نقشهای تصمیم‌گیری مدیریت، می‌توان به نقش خاموش‌کننده ناآرامی از سوی سیمرخ که با وکیل دریا انجام داد اشاره کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت در جامعه هم، تصمیم‌گیری یک مدیر، داور یا قاضی باید مبتنی بر مذاکره و خاموش‌کننده ناآرامی باشد، تا حق و ناحق از هم باز شناخته شوند؛ و مانع از تجاوز به حقوق دیگران شود.

۲-۳- غوک

«غوک (قورباغه) جانوری است از رده ذو حیاتینهای بی‌دم، و کاملاً آبزی است. قورباغه حیوان بسیار پر خوری است و از حشرات و ماهیهای کوچک تغذیه می‌کند.» (معین، ۱۳۸۲: ۱۳۳۳/۲)

«مار حیوانی دراز و خزنده‌ای بی‌دست و پا است که دارای بدنی انعطاف و مولد زهرهای کشنده است.» (عباس‌زاده و جباری، ۱۳۹۴: ۱۳۰)

در ضرب‌المثل‌های رایج در زبان فارسی، در مورد قورباغه و مار آمده است: «تا ظهر مار قورباغه را دنبال می‌کند، بعد از ظهر قورباغه مار را دنبال می‌کند. یعنی همیشه اوضاع این‌طور نمی‌مونه، گاهی بر وفق مراد هست و گاهی هم نیست.» (خطاط، ۱۳۸۹: ۴)

۲-۳-۱- حکایت غوک و مار (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۱۸)

در معروف‌ترین احادیث مربوط به مار، به «جنبه منفی و مضر بودن آن اشاره شده است. در دیوان ناصر خسرو مار تمثیلی است برای نفس و خواهشهای نفسانی:

«نفس جفا پیشه‌ت ماری است بد قصد سوی کشتن این مار کن»

(عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۱-۱۰۰۷)

غوکی در نزدیکی ماری منزل داشت. هر تخمی که می‌گذاشت مار می‌خورد. نزد خرچنگی که دوستش بود رفت و گفت: ای برادر، فکری به حال من بکن؛ که بر من دشمنی قوی و نیرومند پیدا شده است و توان مقابله با او را ندارم. خرچنگ برای دفع مار حيله‌ای را پیشنهاد کرد. غوک (قورباغه) طبق سفارش خرچنگ، چند ماهی گرفت و آن ماهیها را کشت و با فاصله بین خانهٔ راسو و مار انداخت. راسو به دنبال ماهیها رفت و مار را دید و خورد. پس از مدتی راسو به عادت گذشته بیرون رفت ولی ماهی نیافت، قورباغه و بچه‌هایش را یافت و همه آنها را خورد.

۲-۳-۱- شخصیت‌های داستان

غوک: قهرمان (ضعیف و مظلوم)
 مار: ضد قهرمان (ستمکار)
 خرچنگ یار و یاور قهرمان مظلوم (مکار و حيله گر)
 راسو: یاور قهرمان (خورندهٔ غوک)

۲-۳-۲- تحلیل داستان

در باب شیر و گاو، حکایتی از زبان دمنه نقل شده است، که حکایت قورباغه و مار در ضمن آن حکایت از زبان یکی از شخصیت‌ها روایت می‌شود تا این معنی را تقریر کند که: «بسیار حیل و کوشش بر خلق وبال گشتست.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۱۱۸) پنج پایک (خرچنگ) در این حکایت که یاور و مشاور قهرمان حکایت (غوک) است، مکر را تنها راه چاره می‌دانند. مکر به معنی چاره اندیشی و غلبه بر دشمن یا یک دشواری با مهارت هنر و فراوانی دانش و یاری خرد و اندیشه است. آن که مکر می‌ورزد، اغلب در موقعیت دشواری قرار دارد. مثلاً در چنگال دشمن قوی‌تر از خود گرفتار شده است. یا از چیزی محروم گردیده است، یا نیاز طبیعی و غریزی (گرسنگی در او شعله می‌کشد). آنچه باعث توفیق

مکر اندیش می‌شود، وجود نقاط ضعفی مانند حرص و طمع، حماقت و ضعف در برابر تمجید و تکریم در فرد قوی است. اغلب مکرها در این نوع حکایتها با دروغ گویی، سخن چینی، ادعاهای گزاف و ... عملی می‌شوند.

۲-۳-۱-۳- برنامه‌ی تعلیمی و سیاسی داستان

برنما در این داستان، زیان ترک حزم و دوراندیشی است. دلیل اصلی و نابودی غوک و شکست مکر خرچنگ، این بود که او سرانجام کار را ندیده بود که البته به این نکته در حکایت اشاره نشده است. علاوه بر آن، کار راسو بر این حقیقت تأکید دارد که: «خو پذیر است نفس انسانی (حیوانی) و خو پذیری و عادت راسو باعث هلاک غوک شده است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۶۶)

از نظر جایگاه سیاسی در این داستان، مواردی نظیر نیاز به مدیریت بر پایه هدف، دشواریهای ویژه در این کار از سوی غوک، مورد توجه واقع نشده که باعث هلاکت خود غوک نیز گردیده است. غوک بایستی قبل از هر کاری اقدام به بهبود مدیریت در کار خود می‌کرد که نیاز به تشخیص برنامه‌های بی اثر با هدفهای از پیش تعیین شده داشت. از این حکایت می‌توان نتیجه گرفت که تعیین هدفها، همچنان که در برنامه‌های مدیریت بر پایه هدف به کار بسته می‌شود، نه تنها برای اثربخشی بیشتر مدیران اجرایی در سازمانهای دولتی و بازرگانی ضرورت دارد، که به همان اندازه برای بهبود کارکرد کارکنان و مدیران دستگاه‌های دولتی نیز لازم است:

«در سازمان هر قدر اعتماد کمتر باشد، رفتار سیاسی شدت بیشتری خواهد یافت و افراد زیادی دست به اقدامات نامشروع خواهند زد. بنابراین وجود اعتماد بسیار زیاد، بر رفتار سیاسی برتری می‌جوید و مانع از اقدامات نامشروع می‌گردد.» (رابینز^۹، ۱۳۷۸: ۷۴۹)

یکی از آبیهای کلیده‌ودمنه، که به سبب غرابت نامش گمنام مانده است: «پنج پایک است و در این کتاب دو بار از آن نام برده شده است؛ و مظهر انتباه عقل و دور اندیشی و نقشه چینی دانسته شده است.» (روح بخشان، ۱۳۸۵: ۶۰) ولی غوک آبی در جایگاه انسانهای ساده اندیش و غافل در این حکایت معرفی شده است.

^۹ . Robbins

۲-۴-۲- ماهی

«جانوری بی منقار و آبی از رده ماهیان که دارای اقسام متعدد است.» (معین، ۱۳۸۲: ۲۶۵۷/۳) در متون ادبی مظهر زیرکی و با هوشی است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۹۵)

۲-۴-۲-۱- حکایت سه ماهی

در کتاب کلیله و دمنه، در باب شیر و گاو آمده است: «آورده‌اند که در آبیگری [از راه دور و از تعرض گذریان مصون] سه ماهی بود، دو حازم و یکی عاجز. از قضا روزی دو صیاد بران گذشتند با یک دیگر میعاد نهادند، که حال بیاورند و هر سه را بگیرند. ماهیان این سخن بشنوندند. آن که حزم زیادت داشت و بارها دستبرد زمانه جافی دیده بود، و شوخ چشمی سپهر غدار معاینه کرده از آن جانب که آب درآمدی بر فور بیرون رفت....» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۹۲-۹۱)

این داستان، کوتاه و سمبولیک درباره سه ماهی است که در یک گرداب زندگی می‌کنند: «ماهیه‌ها نماینده مختلف کیفیت‌های ذهنی و وجودی یک فرد آدمی هستند. گردابی که در آن اسیرند «خود» است. و «خود» حاصل حرکت جزئی و پنداری ذهن است.» (مصفا، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

ماهی اول که عمق اوضاع بد مسأله را حس کرده است، می‌گوید: از رأی و مشورت با دیگران روی گردان می‌شوم. «راهی که ماهی می‌خواهد برود «راه نا خواه» است؛ ولی درک عمیق و خامت خطر، عزم حرکت را در او به وجود آورده است.» (همان: ۱۲۷) ما انسانها هم باید عقل هوشیار و مفید آن ماهی را پیدا کنیم؛ و با عمق وجود خودمان به خود، هی بزینم که:

«می‌گریزم تا رگم جنبان شود کوی فرار از خویشتن آسان بود!؟»

(همان: ۱۲۸)

۲-۴-۲-۱-۱- شخصیتها

به طور کلی راوی حکایت در این داستان کوتاه، به هر سه شخصیت (ماهی اول: قهرمان دوراندیش، ماهی دوم: قهرمان حيله گر، و ماهی سوم: قهرمان غافل) توجه کرده است. اما تأکید او با توجه به هدفش از نقل حکایت، بیشتر متوجه شخصیت اول یعنی ماهی حازم و دور اندیش است زیرا که تدبیر و عاقبت‌نگری را سرلوحه کار خود قرار داده است و فرصت را غنیمت شمرده است. به قول سعدی:

«قوت رأی آن است که دخل فردا امروز بکارد و کار امروز به فردا نگذارد.» (پاشایی فخری و عادل‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۴)

ماهی، تمثیلی از انسانهای گوناگون و مظهر زیبایی، امید، زندگی و پویایی است. حکایت این سه ماهی و صیادان را که مولانا در مثنوی آورده است، از کلیله و دمنه نقل کرده است. اما در این قصه (آن آبگیر، صیادان و آن سه ماهی)، از دیدگاه مولوی: «ماهی سمبل سه گروه از انسانها است. سه ماهی این قصه سمبلی از عاقلان کامل، انسانهای بی عقل و انسانهای نیمه عاقل هستند.» (خیریه، ۱۳۸۹: ۲۲۶)

۲-۴-۱-۲- پیام آموزنده

این حکایت که در آن سه ماهی گرفتار، در قبال خطر مرگ سه شیوه را بر می‌گزینند، در اصل برای تأکید بر حزم و دوراندیشی است. اما با توجه به شخصیت دوّم و عمل کرد او بر استفاده از حيله و مکر، حيله در نجات از مرگ هم تأکید شده است. ماهی دوّم با تظاهر به مردن، از مرگ نجات پیدا می‌کند؛ و این مکر (عملی که مکر محسوب می‌شود)، در این حکایت بیش از مکر بر حزم و دوراندیشی و فایده آن مبتنی است. نام ماهی، در کلیله و دمنه، بیشتر از دیگر آبیان ذکر شده است و جز در یکی دو مورد تقریباً در همه جا «مظهر سادگی، مظلومیت و ستم‌دیدگی است.» (روح بخشان، ۱۳۸۵: ۶۵)

این حکایت که از زبان دمنه خطاب به شیر (باب شیر و گاو) نقل شده است، در خصوص انسانهایی به کار می‌رود تا فایده عجله در کارها را بر شمارند و چاره اندیشی کارها را پیش از بین رفتن فرصتها و زیان غفلت از عواقب امور را به او تذکر دهند.

۲-۴-۱-۳- جایگاه سیاسی

آبیان موصوفند به جهل، و در وجود آنها زیرکی دیده نمی‌شود. در این حکایت سخن از کیاست و هوشیاری افراد دانا، و در مقابل آن اشاره به ساده لوحی و بی‌خردی افراد نادان شده است که این شرایط را می‌توان در هر سه ماهی احساس کرد. ماهی اول و دوّم در جایگاه افراد زیرک و کاردان به شمار می‌روند، که در موقعیتی سخت، با انتخاب راه حلی مناسب و بجا خود را نجات دادند. اما در ماهی سوّم، جهالت و ساده لوحی افراد نادان کاملاً واضح است که منجر به گرفتاری او شد.

۲-۵- ماهی خوار

۲-۵-۱- حکایت ماهی خوار و خرچنگ

مرغی ماهی خوار، ضعیف و پیری وجود وی را فرا گرفته بود، و از شکار کردن باز مانده بود. حیل‌های اندیشید و خود را غمناک جلوه می‌داد. خرچنگی علت غمناکی او را پرسید. ماهی خوار گفت: دو صیاد تصمیم گرفته‌اند که تمام ماهیان این برکه را صید کنند. خرچنگ خبر به ماهیان برد و ماهیان آشفته و سراسیمه نزد ماهی خوار آمدند. او وعده جای امنی را داد و متعهد شد، که هر روز تعدادی ماهی را به آنجا منتقل کند. ماهی خوار هر روز تعدادی ماهی را با مکر و حیل، به آنگیز خیالی می‌برد و غذای روزانه خود را به دست می‌آورد. سرانجام نوبت به خرچنگ رسید. وقتی در آسمان، در حال پرواز استخوانهای ماهیان را دید، بلافاصله متوجه موضوع گردید و گردن ماهی خوار را گرفت و سخت بفشرد و او را هلاک کرد.

۲-۵-۱-۱- شخصیتها

خرچنگ: قهرمان ساده اندیش

مرغ ماهیخوار: ضد قهرمان (دشمن ذاتی ماهیان)

ماهیان: فریب خورندگان ساده لوح و بی احتیاط.

۲-۵-۱-۲- پیامهای سیاسی و تعلیمی

مهم‌ترین پیام سیاسی این داستان در کلیله و دمنه، عبارت از این است که یک لحظه غفلت در برخورد با دشمن یک عمر پشیمانی به بار می‌آورد. در مقابله و مبارزه با دشمن، باید سیاستهای اتخاذ گردد که باعث هلاک دشمن و بقای مبارزه کننده شود. و این کار میسر و امکان پذیر نمی‌گردد مگر با به کارگیری نیروی عقل، خرد و دوراندیشی و پرهیز از ساده انگاری، زودباوری و ساده لوحی. به اعتقاد فایول: «مدیران باید توانایی درک مسائل، تشخیص عوامل، سنجش هر روش را در پرتو ملاحظات مختلف داشته باشند. آنان باید از توان و نیروی فکری به قدر کافی برخوردار باشند، و از به کار انداختن اندیشه در زمینه امور گوناگون احساس خستگی و کسالت نکنند.» (پاشایی فخری و عادل زاده، ۱۳۹۱: ۵۴) همان طور که خرچنگ در پرتو ملاحظات خود از توان فکری خود استفاده کرد و ماهی خوار را هلاک ساخت.

از نگاه رفتار سازمانی در این داستان می‌توان به ادراک و تصمیم‌گیری فردی اشاره کرد: «ادراک فرآیندی است که به وسیله آن افراد واقعیت را می‌بینند و آن را معنا می‌کنند و مقدم بر تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، بهره‌وری و ... می‌باشد. تصمیم‌گیری نوعی واکنش است که فرد در برابر یک مسأله از خود نشان می‌دهد. بنابراین تصمیم‌گیری فردی بخش مهمی از رفتار سازمانی است. ولی شیوه تصمیم‌گیری افراد و کیفیت آن تا حد زیادی تحت تأثیر ادراک آنها است؛ زیرا برای هر تصمیم باید داده‌ها را تفسیر و آنها را ارزیابی کرد.» (ویسی و همکاران، ۱۳۸۵، صص ۳۵-۳۴)

اما پیام تعلیمی حکایت برای انسان، بیان مضرات عدم دوراندیشی در دوران جوانی و قدرت‌مداری، در جهت فراهم ساختن اسباب زندگی برای دوران کهولت و پیری، انتخاب مرگ با ذلت و خواری یا مرگ با افتخار، که انسان باید دومی را بر اولی ترجیح دهد.

۲-۱-۵-۳- تحلیل سیاسی و اجتماعی

این حکایت از زبان شغال خطاب به زاغی، که می‌خواهد شرّ مار را با حيله و مکر دفع کند. یاد آوری این نکته لازم است که برخی حيله‌ها باعث هلاک حيله‌گر شده و «بسیار کس به کید و حيلت خویشان را هلاک کرده است.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۸۲) آنچه از این حکایت می‌توان برداشت کرد، زیان ظلم و ستم در حق ضعیفان، و زیان اعتماد به دشمن است که مبتنی بر یک اتفاق و تصادف است. به قول نویسنده مرزبان‌نامه: «مرد دور اندیش نباید که در پس و پیش کارها چندان بنگرد که وقت تدارک کارش فایت گردد، بلکه در آنچه مصلحت بیند، عزم را بی‌تھاون به انفاذ رساند.» (وراوینی، ۱۳۷۳: ۵۹۰)

از نگاه سیاسی، با توجه به عملکرد ماهی‌خوار در بردن ماهیان به جای امن، شخصیت‌های کلیده‌ودمنه تمایل بسیاری به رفتارهای سیاسی دارند که از خود نشان دهند. شاید در هیچ اثری در ادبیات فارسی، این همه بر عنصر خرد، حزم و زیرکی تأکید نشده باشد. این توصیه بیش از آنکه بیانگر کارکرد مثبت خرد باشد، نشان می‌دهد که چگونه این نیرو به ابزاری برای حيله‌گری و فرصت‌طلبی تبدیل می‌شود. تملق و چرب‌زبانی شیوه دیگری است که امکان فرصت‌طلبی را فراهم می‌کند: «چه مرد خردمند چرب‌زبان اگر خواهد حقی را در لباس باطل بیرون آورد و باطلی را در معرض حق فرامی‌نماید.» (نصرالله منشی، ۱۳۸۱: ۶۶)

همان طور که حدس زده می‌شود در دنیایی واقعی، بیشتر تصمیمات بر اساس مدل عاقلانه اتخاذ نمی‌شود. به عنوان نمونه مردم به جای اینکه برای حل مسئله به دنبال بهترین راه حل باشند، گزینه‌ای قابل قبول و معقول را جستجو می‌کنند. همان طور که ماهیان، نظر مرغ ماهی‌خوار را برای انتقال آنان به برکه‌ای دیگر قبول کردند، که تصمیمی عاقلانه نبود. در مورد عقلانیت محدود گفته می‌شود: «اغلب مردم در واکنش به یک مسأله پیچیده، آن را آن قدر ساده می‌کنند که برایشان قابل فهم شود، و راه حلهایی را جستجو می‌کنند که رضایت بخش و در عین حال کافی باشد. از آن جایی که ذهن انسان نمی‌تواند مسائل پیچیده را با عقلانیت کامل فرموله کرده، حل کند، بر اساس عقلانیت محدود عمل می‌کند.» (رابینز و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

با توجه به اینکه کتاب کلیله و دمنه، کتاب سیاست و کیاست نامیده شده است، تربیت اجتماعی و سیاسی مردم عصر و زمانه خود، و درس زندگی مطلوب و نصایح و پند و اندرز را به آنان، از طریق حکایات و تمثیلهایی از زبان جانوران در پیش گرفته است. در این حکایت برای برخورد با موانع و مشکلات زندگی به نیروی فکر و اندیشه، محاسبه گرایی دقیق و اندیشیدن درباره عواقب هر تصمیم عمل‌کردی ناشایست توصیه می‌کند. این موارد ذکر شده می‌تواند به عنوان یک اصل مهم در تصمیم‌گیریهای کلان سیاسی و اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد.

۳- نتیجه

کلیله و دمنه از آثار بزرگ ادب فارسی، مملو از حکایاتی است که بیشتر به زبان تمثیلی و نمادین از قلم ابوالمعالی نصرالله منشی تراویده است. قهرمانان این داستانها غالباً از جانوران، گیاهان و جمادات هستند، که نقش سمبولیک شخصیت‌های داستانها را بازی می‌کنند؛ و گاهی انسانها در قالب و نماد اشخاص واقعی گذارده می‌شوند. اما افزون بر اینها، آبیان در زبان و ادب فارسی هم جایگاه خاصی دارند و در فرهنگ ایرانی نقش اخلاقی، تعلیمی و سیاسی هم داشته‌اند. گاهی هم به صورت سرمشق زندگی و گاه به صورت درس زندگی جلوه داده شده‌اند. این قبیل داستانهای کوتاه اغلب با توصیف از مکان و با شخصیت داستانی آغاز می‌شود. پس از آن یک نیاز یا گرفتاری و دشواری برای قهرمان مطرح است، که برای رهایی از آن دست به اقدام می‌زند. حسد، جاه‌طلبی و مکر ورزی در داستانهای کلیله و دمنه همراه با فضایی که قهرمانان در آن حضور دارند، از همان آغاز داستان یا حکایت، ما را وارد

دنیای انسانی می‌کند؛ و به دنبال آن، شخصیتها هم تبدیل به افراد انسانی می‌شوند. به طور کلی شخصیتها به جای خود عمل نمی‌کنند بلکه در نقش انسانهایی هستند که به نوعی با احوال و اوصاف آنها مناسبت تعلیمی و سیاسی دارد. از آنجایی که فرهنگ سیاسی و تعلیمی از عوامل مهم در شکل گیری اندیشه و رفتار سیاسی در افراد هر جامعه به شمار می‌رود، بررسی این عوامل در کلیله و دمنه که از جوامع شرقی (هند، ایران و عرب) بر آمده است، واقعیت‌های بسیاری را در مورد انسان در این جوامع آشکار می‌کند. در بیشتر این حکایتها مسائل اخلاقی مطرح شده است و اکثر آنها پند آموز، تعلیمی و اخلاق مدار هستند. با طرح داستانهای تو در تو در این حکایتها، به مسائل انتقادی که در بر دارنده نکته‌های سیاسی و اجتماعی و طنزهای نیش دار نسبت به حکومت و حاکمان هستند، پرداخته شده است. جایگاه سیاسی جانوران آبی در این پژوهش عبارتند از: ۱- باخه (لاک پشت)، در جایگاه انسانهای نادان و بی احتیاط. ۲- بط، در جایگاه اشخاص ناصح و دلسوز. ۳- طیطوی نر، در نقش انسانهای خودخواه و طیطوی ماده، در جایگاه افراد محافظه کار. ۴- غوک، نشانی از شخصیت‌های ضعیف و مظلوم. ۵- مار، در جایگاه انسانهای ظالم و ستمکار. ۶- ماهی، در جایگاه کسانی که زیرک، دور اندیش و عاقل هستند. ۷- ماهی خوار، در جایگاه دشمنی که نباید به او اعتماد کرد و خرچنگ در نقش اشخاص و شخصیت‌هایی که فرصت را از دست نمی‌دهند، ایفای نقش می‌کنند.

منابع

- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). *سبک شناسی*. ج ۲، تهران: امیر کبیر، (۴۲۳ص).
- پاشایی فخری، کامران و عادل زاده، پروانه. (۱۳۹۱). *بررسی جایگاه مدیریت در متون ادب فارسی*. تبریز: مولی علی، (۱۶۶ص).
- پاشایی فخری، کامران. (۱۳۹۳). «بررسی مفاهیم تعلیمی رهبری تحول گرا در کلیله و دمنه». فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر. شماره ۲۱. صص ۵۲-۳۹.
- تانسی، استیون. (۱۳۹۰). *مقدمت سیاست*. مترجم هرمز مزدپور، تهران: نی، (۳۶۰ص).
- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). *بررسی حکایت‌های حیوانات (فابل‌ها) تا قرن دهم*. تهران: روزنه (۴۱۷ص).

- حدادیان، سمیه؛ حیدری، علی و صحرائی، قاسم. (۱۳۹۷). «تحلیل کهن الگوی پیر خردمند در کلیله و دمنه». نشریه نثر پژوهی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال بیست و یک، دوره جدید، شماره ۴۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۱-۴۵
- خطاط، زهره. (۱۳۸۹). کاربرد نام حیوانات در زبان فارسی. تهران: اندیشه نی، (۷۲ص).
- خیریه، بهروز. (۱۳۸۹). نقش حیوانات در داستانهای مثنوی. تهران: فرهنگ مکتوب، (۲۸۰ص).
- دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۹۰). پرندگان باغ و داغ و راغ. قزوین: سایه گستر (۳۳۶ص).
- دوورژه، موریس. (۱۳۸۹). اصول علم سیاست. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: امیرکبیر، (۳۵۳ص).
- دهقانیان، جواد. (۱۳۹۱). «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه». پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان. دوره جدید، سال سوم، شماره ۱، (پیاپی ۹). صص ۹۱-۱۰۴.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۷۸). رفتار سازمانی. جلد دوم، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، (۴۵۸ص).
- رابینز، استیون پی و تیموتی، جاج. (۱۳۸۹). رفتار سازمانی. جلد اول، ترجمه مهدی زارع، تهران: نص، (۴۱۲ص).
- رحیمی، جلال. (۱۳۹۱). سازمان و مدیریت موفق. تهران: سپهر دانش، (۱۸۶ص).
- رضائیان، علی. (۱۳۸۶). مدیریت رفتارهای سیاسی در سازمان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی در دانشگاه‌ها (سمت) (۹۶ص)
- روح بخشان، علی. (۱۳۸۵). آبیان در ادب فارسی. تهران: علمی آبیان، (۱۶۶ص).
- صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۶). «نماد پرندگان در مثنوی». فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی. سال ۵، شماره ۱۸، صص ۷۶-۵۳.
- عباس‌زاده، فاضل و جباری، مهدی. (۱۳۹۴). «نقش تمثیلی حیوانات در روند داستانهای شاهنامه». فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر. شماره پیاپی: بیست و ششم، صص ۱۳۰-۱۲۱.
- عبدالهی، منیژه. (۱۳۸۱). فرهنگ نامه جانوران. تهران: پژوهنده، (۶۰۲ص).

- کونتز، هرولد؛ اودانل، سیریل و همکاران. (۱۳۷۰). اصول مدیریت. جلد اول، ترجمه محمدعلی طوسی و دیگران. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، (۵۹۶ص).
- محمدی فر، شّمّامه؛ اندرسون، استیون و همکاران. (۱۳۸۹). جانور شناسی در تاریخ علم، فرهنگ و تمدن ایرانی، اسلامی. تهران: کتاب جامع، (۲۰۲ص).
- مصفا، محمد جعفر. (۱۳۸۰). با پیر بلخ. تهران: پریشان، (۴۲۸ص).
- معین، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی معین. جلد سوم. تهران: بهزاد، (۳۰۲۴ص).
- مولانا، جلال الدین محمد بلخی. (۱۳۷۲). مثنوی. دفتر اول، مقدمه، تصحیح، تعلیقات و فهرستها از محمد استعلامی. چاپ چهارم. تهران: زوّار با همکاری نشر سیمرغ (۴۴۰ص).
- میراندابروس، میت فورد. (۱۳۸۷). فرهنگ مصوّر نمادها و نشانه‌ها در جهان. مترجم ابوالقاسم دادور و زهرا تاران. ویراستار امیر پیمان اخوان. تهران: ناشر کلهر، دانشگاه الزاهرا (س) (۱۳۸ص).
- نصر اصفهانی، علی. (۱۳۸۴). مدیریت رفتار گروهی. اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، (۱۲۰ص).
- نصرالله منشی، ابوالمعالی. (۱۳۸۱). کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهرانی. تهران: امیرکبیر، (۴۵۱ص).
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۷۳). مرزبان نامه. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه، (۷۹۵ص).
- ویسی، غلامرضا و سوادی، محمدعلی. (۱۳۸۵). رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی. قم: زمزم هدایت (۲۵۶ص).

References

- Abbaszadeh, Fazel and Jabbari, Mehdi. (۱۳۹۴). "The allegorical role of animals in the process of Shahnameh stories". Quarterly Journal of Educational and Lyrical Research in Persian Language and Literature, Islamic Azad University - Bushehr Branch, Serial Issue: Twenty-sixth, pp. ۱-۴.
- Abdullahi, Manijeh. (۱۳۸۱). Dictionary of Animals. Tehran: Pazhoohandeh, (۶۰۲ p.).
- Bahar, Mohammad Taqi. (۱۳۷۳). Stylistics. J۲, Tehran: Amir Kabir, (۴۲۳ p.).
- Calligrapher, Venus. (۱۳۸۹). Use of animal names in Persian. Tehran: Andisheh Ney, (۷۲ p.).
- DabirSiyaghi, Mohammad. (۱۳۹۰). Garden birds and hot and hot. Qazvin: Sayeh Gostar (۳۳۶ p.).
- Dehghanian, Javad. (۱۳۹۱). "Study of the function of power and political culture in Kelileh and Demneh". Persian Language and Literature Research, Faculty of Literature and Humanities - University of Isfahan. New Course, Third Year, No. ۱, (Consecutive ۲), pp ۹۱-۱۰۴.
- Duvergeh, Morris. (۱۳۸۹). Principles of Political Science. Translated by Abolfazl Ghazi, Tehran: Amirkabir, (۳۵۳ p.).
- Haddadian, Somayeh; Heydari, Ali and Sahraei, Qasim. (۱۳۹۷). "Analysis of the archetype of the wise old man in Kelileh and Demneh". Journal of Persian Literature Prose, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Year ۲۱, New Volume, Number ۱, Spring and Summer ۲۰۱۶, pp. ۱-۴
- Kheiriyeh, Behrooz. (۱۳۸۹). The role of animals in Masnavi stories. Tehran: Farhang Maktoob, (۲۸۰ p.).

- Kontz, Herold; O'Donnell, Cyril et al. (۱۳۷۰). Principles of management. The first volume, translated by Mohammad Ali Tusi and others. Tehran: Public Management Training Center, (۵۹۶ p.).
- Maulana, Jalaluddin Mohammad Balkhi. (۱۳۷۲). Masnavi. The first book, introduction, correction, comments and catalogs by Mohammad Estelami. fourth edition. Tehran: Zavar in collaboration with Simorgh Publishing (۴۴۰ pages).
- Mirandabros, Mitt Ford. (۱۳۸۷). Illustrated culture of symbols and signs in the world. Translated by Abolghasem Dadvar and Zahra Taran. Editor Amir Peyman Akhavan. Tehran: Kalhor Publisher, Al-Zahra University (۱۳۸ p.).
- Mohammadifar, Shamma; Anderson, Steven et al. (۱۳۸۹). Zoology in the history of Iranian, Islamic and Islamic science, culture and civilization. Tehran: Comprehensive book, (۲۰۲ pages).
- Moin, Muhammad. (۱۳۸۲). Definite Persian culture. Volume III. Tehran: Behzad, (۳۰۲۴ p.).
- Musafa, Mohammad Jafar. (۱۳۸۰). With old Balkh. Tehran: Parishan, (۴۲۸ p.).
- Nasr Isfahani, Ali. (۱۳۸۴). Group Behavior Management. Isfahan: Isfahan University Jihad, (۱۲۰ p.).
- Nasrullah Munshi, Abu al-Ma'ali. (۱۳۸۱). Kalila wa Dimna. Correction and explanation by Mojtaba Minavi Tehrani. Tehran: Amirkabir, (۴۵۱ p.).
- Pashaei Fakhri, Kamran and Adalzadeh, Parvaneh. (۱۳۹۱). Investigating the position of management in Persian literature texts. Tabriz: Molla Ali, (۱۶۶ p.).
- Pashaei Fakhri, Kamran. (۱۳۹۳). "Study of the educational concepts of transformational leadership in Kelileh and Demneh". Quarterly Journal of

Educational and Lyrical Research in Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Bushehr Branch. No. ۲۱. pp. ۵۲-۳۹.

Rahimi, Jalal. (۱۳۹۱). Successful organization and management. Tehran: Sepehr Danesh, (۱۸۶ p.).

Rezaian, Ali. (۱۳۸۶). Management of political behaviors in the organization. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books in Universities (Samat) (۹۶ p.)

Robbins, Steven P. (۱۳۷۸). Organizational behavior. Volume ۲, translated by Ali Parsaiyan and Sayyid Muhammad Arabi. Tehran: Daftare pazhooheshhaye eslami, (۴۵۸ p.).

Robbins, Steven P. & Timothy, Jaj. (۱۳۸۹). Organizational behavior. Volume One, translated by Mehdi Zare, Tehran: Nas, (۴۱۲ p.).

Rohbakhshan, Ali. (۱۳۸۵). Aquatic in Persian literature. Tehran: Aquatic Science, (۱۶۶ pages).

Sarfi, Mohammad Reza (۱۳۸۶). "The symbol of birds in Masnavi". Quarterly Journal of Literary Research, Volume ۱, Number ۲, pp. ۷۶-۵۳.

Tansy, Steven. (۱۳۹۰). Introduction to politics. Translated by Hormoz Mazdapour, Tehran: Ney, (۳۶۰ p.).

Taqavi, Muhammad. (۱۳۷۶). A study of animal stories (fables) up to the tenth century. Tehran: Rozaneh (۴۱۷ p.).

Veisi, Gholamreza and Savadi, Mohammad Ali. (۱۳۸۵). Organizational Behavior in the View of Islamic Management .. Qom: Zamzam Hedayat (۲۵۶ p.).

Warawini, Saad al-Din. (۱۳۷۳). Marzbannameh. By the efforts of Khalil Khatib Rahbar. Tehran: Safi Alishah (۷۹۵ p.).

